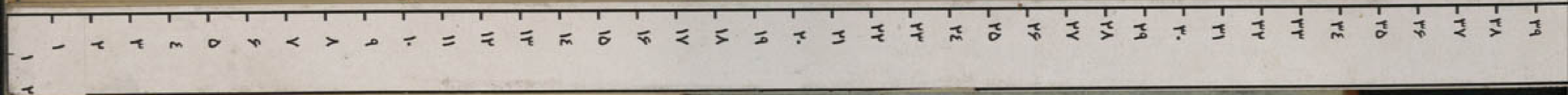
ع ۱۲ ن





هو

در وقتی که بندگان حضرت اقدس ارفع امجد [illegible] شاهنشاه [illegible] اعظم معظم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۴ ربیع [illegible] ۱۳۳۴



بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

يسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيمِ

بحق این سرها یا محمد صلی الله علیه و بحق قرآن حکم کار

اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلٰى صِرَاطٍ

بدرستیکه تو هرآینه از جمله فرستادگانی بر منهج طریق است بر راه

مُسْتَقِيمٍ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

راست فرستاده خدای غالب مهربان

لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا اُنْذِرَ اٰبَاؤُهُمْ

تا بترسانی گروهی را آنچه ترسانیده نشد پدران ایشان

فَهُمْ غَافِلُونَ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ

پس ایشانند بیخبران البته بتحقیق واجب شد عذاب

عَلٰى اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

بر بیشترین ایشان پس ایشانند ایمان نیاورندگان

اِنَّا جَعَلْنَا فِي اَعْنَاقِهِمْ اَغْلَالًا

بدرستیکه ما گردانیدیم در گردنهای ایشان زنجیرها

فَهِيَ اِلَى الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ

پس آن تا بزنخدانهاست پس ایشانند مقمحون

وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا

وبگردانیدیم ما از پیش ان دستهای ایشان سدی

وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ

و از پشت ایشان سدی پس پوشیده کردیم ما چشم ایشان را

فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ وَسَوَاءٌ

پس ایشان نبینند کوران برابرست است

عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ

بر ایشان اگر بترسانی ایشان را یا نه اگر نترسانی ایشان را

لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ

ایمان نمی آرند جز این نیست اگر بترسانی کسی را که

اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ

پی روی کند قرآن را بترسند از خدای روزی دهنده

بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ

بنهانی پس مژده ده او را با مرزش و مزدی با کرامت

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا

بدرستیکه ما منم زنده کننده مردکان و می نویسیم آنچه

قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ

در پیش فکنده باشند و آثارهای ایشان و همه

شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ

چیزرا شمرده ایم ما او را در بیان کتاب روشن

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ

و بزن یا محمد ایشان را مثل اصحاب دیه

إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ إِذْ أَرْسَلْنَا

چون آمدند ایشان را پیغمبران زمانیکه فرستادیم ما

إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا

بسوی ایشان دو پیغمبر پس تکذیب کردند ایشان را پس قوت کردیم ما ایشان را

بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ

به پیغمبر سیم پس گفتند بدرستیکه ما بسوی شما ارسال کرده شده ایم

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا

گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و

أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا

نفرستاده خدای بخشاینده هیچ چیز نیستید شما مگر که

تُكَذِّبُونَ قَالُوا رَبُّنَا

دروغ میگویید گفتند پروردگار ما

يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ

میداند که بدرستیکه ما ای قوم بسوی شما هر آینه پیغمبرانیم

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

و نیست بر ما ای قوم مگر رسانیدن رسالت روشن

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ

گفتند بدرستیکه ما بد فال گرفتیم شما را هر آینه اگر

تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ

باز نایستید هر آینه سنگسار کنیم شما را و هر آینه برسد شما را

مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ قَالُوا طَائِرُكُمْ

از جانب ما عذاب درد ناک گفتند فال بد شما

مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ

با شماست اگر پند دهند شما را بلکه شما گروهی هستید

مُسْرِفُونَ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا

اسراف کنندگان و آمد از اطراف

الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ

شهر مردی تند رونده گفت ای گروه

اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَنْ لَا

پیروی کنید پیغمبران خدا را پیروی کنید شما از کسی که

يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ

نمیخواهد از شما مزدی و ایشان راه راست یابنده گانند

وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي

و نیست مرا از برای نمی پرستیدم آنکه مرا بیافرید مرا

وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ أَأَتَّخِذُ مِنْ

و بسوی او در روز قیامت بازگشت کننده گانید آیا فرا گیرم از

دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ

جز او خدایانی که اگر خواهد خدای اورا دهنده بدی

لا تغن

لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا

سود کند از من شفاعت ایشان چیزی و نی

يُنْقِذُونِ إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

رهانند مرا بدرستیکه من هر آینه در گمراهی باشم پیدا

إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ قِيلَ

بدرستیکه من ایمان آوردم بپروردگار شما پس بشنوید ای قوم من گفته شد

ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي

داخل شو در بهشت گفت ای کاشکی قوم من

يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي

میدانستند بآنچه بیامرزید مرا پروردگار من و گردانید مرا

مِنَ الْمُكْرَمِينَ وَمَا أَنْزَلْنَا

از جمله گروه گرامیان و فرو نفرستادیم ما

عَلىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ

بر قوم او از پس او از لشکری از

السَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ اِنْ

آسمان و نبودیم ما ازفرود آینده گان نمی

كَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَاِذَا هُمْ

باشد آن مگر یک بانگ پس ناگه ایشان

خَامِدُونَ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ

مرده باشند وا حسرتا بر بندگان

مَا يَاْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ اِلَّا كَانُوا

نیامد ایشان را از پیغمبران مگر بودند ایشان

بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ اَلَمْ يَرَوْا كَمْ اَهْلَكْنَا

بدان پیغمبر استهزا کننده گان آیا خبر ندارند اهل مکه که بسیار هلاک کردیم ما

قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ اَنَّهُمْ اِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ

پیش از ایشان از خلایق بدرستیکه ایشان بسوی ایشان باز نمی گردند

وَاِنْ كُلٌّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ

و نیستند همه ایشان الا جمع هستند در نزد ما حاضر شونده گان

وَآيَةٌ لَهُمُ الْاَرْضُ الْمَيْتَةُ اَحْيَيْنَاهَا

و علامت است از برای ایشان زمین مرده زنده کردیم ما آنرا

وَاَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَاْكُلُونَ

و بیرون آوردیم ما از آن زمین دانه و میوه پس از آن میخورند

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَاَعْنَابٍ

و گردانیدیم ما در آن بوستانها از درخت خرما و انگورستان

وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَاْكُلُوا مِنْ

و گشادیم ما در آن از چشمه تا اینکه بخورند از

ثمره وما عملته ايديهم افلا يشكرون

میوه آن   و آنچه   کار کرده آنرا   دستهای ایشان   آیا شکر نمی کنند

سبحان الذي خلق الازواج

منزه است   آنکه آفرید   یا فریده   جفت ها

كلها مما تنبت الارض ومن

همه آنرا   از آنچه   میرویاند   از زمین   و از

انفسهم ومما لا يعلمون وآية

نفسهای ایشان   و از آنچه   ایشان نمیدانند   و علامتی است

لهم الليل نسلخ منه النهار فاذا هم

مر ایشان را   شب   که ما میکشیم   از آن   روز را   پس در حال ایشان

مظلمون والشمس تجري لمستقر

در تاریکی باشند   و علامتی است   آفتاب   میرود   برای   قرارگاه خود

لها ذلك تقدير العزيز العليم

از برای ایشان   آن   اندازه کردن   خداوند   غالب   دانا

والقمر قدرناه منازل حتى عاد كا

و ماه را   اندازه کردیم   او را   منزلها   تا آنکه برگردد   مانند

العرجون القديم لا الشمس ينبغي

سر شاخ خرما   کهنه   نه آفتاب   سزاوار است

لها ان تدرك القمر ولا الليل

مر او را   بر آنکه   دریابد   ماه را   و نه   شب

سابق النهار وكل في فلك يسبحون

سبقت گیرد   روز را   و همه   در کشتی   در فلک   سیر کنند

وآية لهم انا حملنا ذريتهم في الفلك

و علامتی است   از برای ایشان   بدرستیکه ما   بار کردیم   فرزندان ایشان را   در کشتی

الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا

پرکرده شده وبیافریدیم ما ازبرای ایشان از همجنس او آنچه

يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا

سوار بشوند وگر اراده کنیم غرق کنیم ایشان را پس

صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ إِلَّا

فریادرس نباشد ایشان را ونه ایشان رها یابنده گان مگر که

رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ وَإِذَا

رحمی مروی از جانب ما باشد ومتاعی بر هنگامی تا همسنگ وچون

قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ

گفته شود ازبرای ایشان بترسید آنچه در پیش روی شمااست

وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

وآنچه در پس شمااست تا شاید بخشایند ورحم کننده شمارا

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا

ونیامد بایشان هیچ نشانه از نشانهای پروردگار ایشان مگر که

كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذَا

بودند ایشان ازان آیتها روی گردانندگان وچون

قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ

گفته شود ازبرای ایشان نفقه کنید ازآنچه روزی کرد شمارا خدا گفت

الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ

آنانکه کافر شده بودند ازبرای آنانکه ایمان آورده بودند آیا روزی داده شمارا

مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا

کسی که اگر اراده کند خدا طعام دهد اورا نیستید شما مگر

فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَيَقُولُونَ مَتَى

در میان گمراهی هویدا ومیگویند ایشان که کی خواهد بود

هٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

این وعده خدای شما اگر هستید شما پیغمبران راستگویان

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ

نگاه نمی‌کنند ایشان مگر یک آوازی سخت را که فرا گیرد ایشان را

وَهُمْ يَخِصِّمُونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً

و حال آنکه ایشان نزاع و خصومت کنندگان باوجود اینکه ایشان نتوانند اندرز کردن

وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ

و نه توانند بسوی اهل خانه خویش رجوع کنند بدان از آن من و دمیده

فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ

در صور اسرافیل پس چون ایشان از گورهای خویش که خوابیده اند بسوی

رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا

پروردگار خویشان بازی روند گویند وای باد ما را که برانگیخت ما را

مِنْ مَرْقَدِنَا هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ

از قبرهای ما این است که نوید و وعده داد خدای روزی دهنده و راست

الْمُرْسَلُونَ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً

گفتند پیغمبران و دروغ نگفتیم ایشان را اگر باشد مگر یک

وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ

آواز پس چون ایشان همه در پیش قرب ما حاضر کرده شدگان باشند

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ

پس امروز جور و ستم نکند هیچ نفسی را چیزی و پاداشت نه دهند

إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّ أَصْحَابَ

مگر آنچه بودید شما عمل کنندگان بجزو شر بدرستیکه اهل

الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ

بهشت امروز در شغلی باشند خوش دل و سیرهای بهشت و خوردنی

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ

ایشان و زنهای ایشان در سایها اند بر تختهای بهشت

مُتَّكِئُونَ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ

تکیه زننده گانند ایشان را آنجا میوه و ایشان راست

مَا يَدَّعُونَ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ

آنچه میخواهند خدای بخشاینده از گفتن مبارک خود سلام میرساند ایشان را

وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ أَلَمْ

و جدا شوید امروز ای گروه گناهکاران آیا نه

أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا

عهد بستم با شما ای فرزندان آدم که پرستید مر

الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

شیطان را بدرستیکه شیطان هر آینه شما را دشمنی است آشکار

وَأَنِ اعْبُدُونِي هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

و آنکه مرا پرستید این راه راست

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ

و هر آینه بتحقیق گمراه کرد از شما خلق بسیار را آیا نبودید

تَكُونُوا تَعْقِلُونَ هَٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي

شما عقل دارنده گان این دوزخ آنچنان

كُنْتُمْ تُوعَدُونَ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ

شما را وعده داده پیغمبران ما ملازم شوید آن را امروز

بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ

بدانچه بودید شما ناسپاس کننده گان امروز مهر نهیم بر

أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ

دهنهای شما و سخن گوید با ما دستهای شما و گواهی دهد

أَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَلَوْ نَشَآءُ

پایهای شان بدانچه بودند کسب کننده گان واگر ما بخواهیم

لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ

هرآینه ببریم ما برچشمهای شان پس سبقت کردندی بگذرگاه براه

فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنَاهُمْ

پس چگونه ببینند شان واگر ما بخواهیم بگردانیم صورتهای شان را

عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا

بر جایگاه ایشان پس نتوانستند بگذشتن

وَلَا يَرْجِعُونَ وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي

ونه بازگردند وکسی که ما عمر دراز دهیم اورا دیبا برگردانیم اورا در

الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ وَمَا عَلَّمْنَاهُ

آفرینش آیا تعقل نکنند ایشان ونیاموختیم ما اورا

الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ

شعر ونشاید ویرا که آن نیست او مگر یادآوری وکتاب

مُّبِينٌ لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ

روشن وهویدا تا بترساند کسی را که بوده باشد زنده وواجب شود

الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا

گفتار بر قوم ناسپاسان یعنی کافران آیا نمی بینند که بدرستیکه ما

خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا

آفریدیم ما ازبرای ایشان ازانچه کرد دستهای ما چهارپایان پس ایشان مرآنها را

مَالِكُونَ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا

مالک چهارپایان وخوار گردانیدیم ما آنهارا مرایشانرا پس ازانها

رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَلَهُمْ فِيهَا

سواری مرکب ایشان واز گوشت ایشان تناول کننده ومرایشانرا دران چیزها

منافع ومشارب افلا يشكرون

منفعت می برند و دارد آشامیدنی ایشان میخورند آیا چرا شکر نعمتهای الله را بجا نمی آرند

واتخذوا من دون الله الهة لعلهم

و فرا گرفتند غیر از حضرت حق تعالی خدایان شاید که ایشان را

ينصرون لا يستطيعون نصرهم وهم

یاری کرده شوند تاب و توانایی ندارند یاری کردن ایشان را و ایشان

لهم جند محضرون فلا يحزنك قولهم

ایشان را لشکری اند حاضر کردگان پس باز ندارد ترا گفتار ایشان

انا نعلم ما يسرون وما يعلنون

بدرستیکه ما میدانیم آنچه در پنهانی بعضی از شما و آنچه آشکارا میکنید

اولم ير الانسان انا خلقناه من نطفة

آیا نمی بینند مردمان بدرستیکه ما آفریدیم او را از نطفه گندیده

فاذا هو خصیم

فاذا هو خصيم مبين وضرب لنا

پس چون او دشمنی است هویدا و بزد از برای ما

مثلا ونسي خلقه قال من يحيي العظام

مثل و فراموش کرد خلقت خود را گفت که زنده گرداند استخوانها را

وهي رميم قل يحييها الذي انشاها

و حال آنکه آن پوسیده است بگو یا محمد زنده گرداند خدا آنچنانکه آفرید ایشان را

اول مرة وهو بكل خلق عليم

اول مرتبه و او است با حوالات جمیع مخلوقات دانشمند

الذي جعل لكم من الشجر الاخضر

آنچنانکه کرد برای شما از درخت سبز

نارا فاذا انتم منه توقدون اوليس

آتش پس در وقت حرارت باشید لازم آتش بیفروزید آیا نیست

الذي خلق السموات والارض بقادر

آنکه بیافرید آسمانها و زمین را قدرت دارد

علی ان یخلق مثلهم بلی وهو الخلاق العلیم

بر آنکه بیافریند مانند شما بلکه اوست خالق بسیار آفریننده دانا

انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له

اینست جز این نیست فرمان عالی الاطلاق او چون خواهش کند بوده چیزی اینکه بفرماید مر او را

كن فيكون فسبحان الذي بيده

بشو پس میشود پس منزه است خدا آنچنانکه بدست قدرت او

ملكوت كل شيء واليه ترجعون

ملکوت یعنی پادشاهی همه چیز و بسوی او بازگشت میکنید

این دعا از جهت دفع هم و غم صد و یازده مرتبه بخوانند

بسیار مجرب است [illegible] از [illegible] اداره دین بسیار از [illegible] است

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الحمد لله الذي افاض الارواح من

پرستش مر خدای راست که بخشید روحها را از

القدم واخرج الوجود من العدم

جایگاه دیرینه و بیرون آورد وجود مخلوقات را از کتم نیستی بعالم [illegible]

والصلوة والسلام على السيد المؤيد

و درود و رحمت خداوند تعالی باد بر آن سید تایید داده شده

المحترم الله صمدي من عندك مددي

و محترم گرامی شده ای خداوند بی نیاز من از نزد تست مدد و نصرت [illegible]

وعليك معتمدي ناد عليا مظهر

و بر تو است [illegible] اعتماد من ندا بکن جناب علی بن ابیطالب را که مظهر

الْعَجَائِبِ تَجِدْهُ عَوْنًا لَكَ فِي النَّوَائِبِ

عجایبات است بیابم اورا یاوری از برای تو در نوب وسختیها

كُلُّ هَمٍّ وَغَمٍّ سَيَنْجَلِي بِوِلَايَتِكَ

همه اندوه وغمی که مرا باشد زود منجلی گردد بدوستی ولایت تو

يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا أَبَا الْغَيْثِ أَغِثْنِي

یا علی یا علی یا علی صلوات الله وسلامه علیه ای پدر فریادرسندگان بفریاد من رس

يَا عَلِيُّ أَدْرِكْنِي وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

یا علی ابن ابیطالب دریاب مرا و درود فرستاد خدا بر جناب پیغمبر و فرزندان او

أَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

همگی و جمیع اصحاب او و ستایش سزاوار پروردگار عالمیان است

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَ لَهُ مُهِمَّةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ مُلِمَّةٌ وَعِنْدَ الْكَرْبِ

و هست از دعای آنحضرت علیه السلام چون عارض میشد او را مهمی یا نازل میشد با حادثه ناخوب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند روزی دهنده و رحم کننده

يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ وَيَا مَنْ

ای آنکه گشوده میشود بدان گرههای ناخوشیها و ای آنکه

يَفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ

ساکن میشود بسبب نام او تیزی و تندی سختیها و ای آنکه طلب کرده میشود

مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ ذَلَّتْ

از آن بیرون رفتن از تنگی بسوی راحت و فرج و گشادگی آسان شده است

لِقُدْرَتِكَ الصِّعَابُ وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ

از برای قدرت تو دشواریها و سبب گردیده است بسبب لطف تو

الْأَسْبَابُ وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ

سببها و جاری شده است بسبب قدرت تو حکم

وَمَضَتْ عَلٰى اِرَادَتِكَ الْاَشْيَآءُ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ

درروان شده بروفق خواهش تو چیزها پس همه چیزها بخواهش اراده تو

دُوْنَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ وَبِاِرَادَتِكَ دُوْنَ

بدون فرموده تو فرمان بردارند وبمجرد خواهش تو بدون

نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ اَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ وَاَنْتَ

نهی کردن تو ممنوعند تویی خوانده شده برای کارهای سخت وتویی

الْمَفْزَعُ فِي الْمُلِمَّاتِ لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا اِلَّا مَا

پناهگاه در بلاها وبلاهاییکه نازل شود دفع نشود ازینها مگر آنچه

دَفَعْتَ وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا اِلَّا مَا كَشَفْتَ

دفع کنی تو وبرطرف نشود ازانها مگر آنچه برطرف کنی تو

وَقَدْ نَزَلَ بِيْ يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَاَّدَنِيْ

بتحقیق فرود آمده بمن ای پروردگار من بدی سنگینی که دشوارست برمن

ثِقْلُهُ وَاَلَمَّ بِيْ مَا قَدْ بَهَظَنِيْ حَمْلُهُ وَبِقُدْرَتِكَ

گرانی او وفرود آمده است آنچه برمن بتحقیق گران گشته است مرا برداشتن آن وبقدرت خود

اَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ اِلَيَّ

وارد ساختی آنرا برمن وبپادشاهی خود متوجه گردانیده آنرا بسوی من

فَلَا مُصْدِرَ لِمَا اَوْرَدْتَ وَلَا صَارِفَ لِمَا

پس نیست برگرداننده مر آنچه را که وارد ساخته تو ونیست گرداننده مر آنچه را که

وَجَّهْتَ وَلَا فَاتِحَ لِمَا اَغْلَقْتَ وَلَا مُغْلِقَ لِمَا

متوجه گردانیده ونیست گشاینده مر آنچه را که تو بسته ونیست بندنده مر آنچه را که

فَتَحْتَ وَلَا مُيَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ

تو گشوده ونیست آسان کننده مر آنچه را که دشوار کرده ونیست یاری دهنده ازبرای کسی که

خَذَلْتَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَافْتَحْ

تو خوار وذلیل کرده پس درود بفرست بر محمد صلی الله علیه وآله وبگشای

لي يا ربّ باب الفرج بطولك واكسر عنّي

مرا ای پروردگار من در راحت وفرج را بفضل خود وبشکن از من

سلطان الهمّ بحولك وانلني حسن النظر

سلطنت اندوه را بقوت خود ورسان مرا بخوب دیدن

فيما شكوت واذقني حلاوة الصنع

در آنچه شکوه کرده‌ام وبچشان مرا شیرینی کار را

فيما سئلت وهب لي من لدنك رحمة

در آنچه طلب کرده‌ام وببخش از برای من از نزد خود راحت ورحمت

وفرجا هنيئا واجعل لي من عندك مخرجا

وفرجی بی رنج وتعب وبگردان از برای من از جانب خود به بیرون رفتن

وحيا ولا تشغلني بالاهتمام عن تعاهد

بزودی این بلا ومشغول مگردان مرا بسبب اندوه از رعایت نمودن

فروضك واستعمال سنّتك فقد ضقت

واجبات تو وبعمل آوردن سنت تو پس بتحقیق طاقت ندارم من

لما نزل بي يا ربّ ذرعا وامتلأت بحمل

نازل شده برمن ای پروردگار من طاقت ندارم وپرشده‌ام بسبب برداشتن

ما حدث عليّ همّا وانت القادر على كشف

آنچه حادث شده است برمن از اندوه وحال آنکه تو قادری بر دفع کشف

ما منيت به ودفع ما وقعت فيه فافعل بي ذلك

آنچه مبتلا شده‌ام بدان ودفع آنچه افتاده‌ام در آن پس بکن بمن این کار را

وان لم استوجبه منك يا ذا العرش العظيم

واگرچه نیستم مستوجب آن از جانب تو ای صاحب تخت بزرگ

وكان من دعائه عليه السلام في الأيام السبعة

و بود از دعاهای آنحضرت صلوات الله علیه در باره روزهای هفته

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْأَحَدِ

دعایست از دعاهای آنحضرت برابر باد رحمت در روز یکشنبه

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خدای روزی دهنده رحمت کننده

بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا أَرْجُو إِلَّا فَضْلَهُ وَلَا

ابتدا میکنم بنام خدا آنچنان خدایکه امید ندارم من مگر فضل او را و نه

أَخْشَى إِلَّا عَدْلَهُ وَلَا أَعْتَمِدُ إِلَّا قَوْلَهُ وَلَا

می ترسم من مگر از عدالت او و اعتماد و اعتقاد ندارم من مگر گفتار او را و نه

أُمْسِكُ إِلَّا بِحَبْلِهِ بِكَ أَسْتَجِيرُ يَا ذَا الْعَفْوِ

چنگ میزنم من مگر بریسمان محکم او خدایا بتو زنهار میجویم ای صاحب آمرزش

وَالرِّضْوَانِ مِنَ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمِنْ

و خشنودی از ستم و جور کردن دشمنان و از

تغیر الزمان

غِيَرِ الزَّمَانِ وَتَوَاتُرِ الْأَحْزَانِ وَمِنِ انْقِضَاءِ

تغیر یافتنهای زمانه و پی در پی شدنهای اندوهها و از منقضی شدن

الْمُدَّةِ قَبْلَ التَّأَهُّبِ وَالْعُدَّةِ وَإِيَّاكَ

مدت عمر پیش از تهیه گرفتن توشه راه برداشتن و ترا من

أَسْتَرْشِدُ لِمَا فِيهِ الصَّلَاحُ وَالْإِصْلَاحُ

طلب راه نمودن میکنم بسوی آنچه در اوست صلاح و اصلاح کار است

وَبِكَ أَسْتَعِينُ فِيمَا يَقْتَرِنُ بِهِ النَّجَاحُ

و از تو یاری میجویم من در آنچه نزدیکست بدان فرخا کی

وَالْإِنْجَاحُ وَإِيَّاكَ أَرْغَبُ فِي لِبَاسِ الْعَافِيَةِ

و فیروزی در رستگاری و ترا رغبت میکنم در پوشیدن لباس صحت و عافیت

وَتَمَامِهَا وَشُمُولِ السَّلَامَةِ وَدَوَامِهَا

و تمام کردن آن و درگرفتن و شامل گشتن سلامت و دایم بودن آن

وَاَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ

و پناه میجویم بتو ای پروردگار من از وسوسه‌های شیاطین لعنهم الله

وَاَحْتَرِزُ بِسُلْطَانِكَ مِنْ جَوْرِ السَّلَاطِينِ

و احتراز میکنم من به پادشاهی تو از جور و ستم بزرگان

فَتَقَبَّلْ مَا كَانَ مِنْ صَلَوٰتِي وَصَوْمِي

پس قبول کن آنچه بوده است از نماز گزارده من و روزه داشتن من

وَاجْعَلْ غَدِي وَمَا بَعْدَهُ اَفْضَلَ مِنْ سَاعَتِي

و بگردان ای پروردگار فردای مرا و آنچه بعد از آنست بهترین از ساعتهای من

وَيَوْمِي وَاَعِزَّنِي فِي عَشِيرَتِي وَقَوْمِي وَ

و روزگار من و عزیز گردان مرا ای پروردگار در میان قبیله من و خویشاوندان من و

اِحْفَظْنِي فِي يَقَظَتِي وَنَوْمِي فَاَنْتَ اللّٰهُ خَيْرٌ

نگه دار مرا ای پروردگار در وقت بیداری من و در خواب من پس تویی خدا بهترین

حَافِظًا وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

نگه دارندگان و تویی رحم کننده‌ترین رحم کنندگان بار خدایا بدرستیکه من

اَبْرَءُ اِلَيْكَ فِي يَوْمِي هٰذَا وَمَا بَعْدَهُ مِنَ

بیزاری میجویم بسوی تو در این روز یکشنبه خود و آنچه بعد از آنست از روز

الْاٰحَادِ مِنَ الشِّرْكِ وَالْاِلْحَادِ وَاُخْلِصُ

یکشنبه‌ها از شرک آوردن و ملحد گردیدن و خالص میکنم من

لَكَ دُعَائِي تَعَرُّضًا لِلْاِجَابَةِ وَاُقِيمُ عَلٰى طَاعَتِكَ

از برای تو دعای خود را بجهت فرا پیش آمدن مر اجابت را و بر پا میایستم من بر طاعت تو

رَجَاءً لِلْاِثَابَةِ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِكَ

امید را از برای ثواب پس رحمت فرست بر محمد صلی الله علیه وآله بهترین مخلوقات خود

الدَّاعِي اِلٰى حَقِّكَ وَاَعِزَّنِي بِعِزِّكَ الَّذِي

که خواننده است جهانیان را بسوی حق تو و عزیز گردان مرا بعزت خود آن عزتی که

لا يضام واحفظني بعينك التي لا تنام

ستم کرده نشود نگهداری کن مرا بچشم رحمت خود که نخوابد هرگز

واختم بالانقطاع اليك امري وبالمغفرة

وختم کن بمنقطع شدن بسوی جناب تو کار مرا وبآمرزش فرمودن

عمري انك انت الغفور الرحيم

عمر مرا بدرستیکه تو ذاتی پروردگار آمرزنده و رحمت کننده

وكان من دعائه عليه السلام في يوم الاثنين

از دعای آنحضرت است صلی الله علیه در باره روز دوشنبه

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم من بنام خداوند بخشنده و مهربان

الحمد لله الذي لم يشهد احدا حين فطر

پرستش مر ذاتی راست که حاضر نساخت احدی را هنگامیکه آفرید

السموات والارض ولا اتخذ معينا حين

آسمانها و زمین و فرا نگرفت هیچ یاوری هنگامیکه

برء النسمات لم يشارك في الالهية

آفرید نسمات را نیست انبازی و شریکی در خدایی او

ولم يظاهر في الوحدانية كلت الالسن

و یاری نجسته در یگانگی خویش گنگ است زبان مادحان

عن غاية صفته وانحسرت العقول عن

از نهایت وصف و تعریف او و کند است عقلهای عقلا از رسیدن

كنه معرفته وتواضعت الجبابرة

بکنه معرفت او و فروتنی کردند جباران و گردنکشان

لهيبته وعنت الوجوه لخشيته وانقاد

از برای هیبت او و خوار شدند رویها و فروتنی کردند از برای خوف و خشیت او و فرمانبردار گردید

كل عظيم لعظمته فلك الحمد متواترا

همه بزرگان اند براى بزرگوارى او پس از براى تست حمد ثنا پى در پى

متسقا ومتواليا مستوثقا وصلواته على

پى در پى و پيوسته عقب همديگر و درودهاى او باد بر

رسوله ابدا وسلامه دائما سرمدا اللهم

پيغمبر خود هميشه و رحمت او باد هميشه و مدام بار خداوندا

اجعل اول يومي هذا صلاحا واوسطه

بگردان صبح روز مرا امروز با صلاح و نيكى كارها و وسطه اورا

فلاحا وآخره نجاحا واعوذ بك من يوم اوله

رستگارى و آخر اورا بفيروزى و پناه ميجويم بتو از روزى كه ابتداى او

فزع واوسطه جزع وآخره وجع اللهم

فزع است و وسط آن روز جزع باشد و آخر آن روز دردناكى باشد بار خدايا

انى استغفرك لكل نذر نذرته و

بدرستيكه من طلب آمرزش ميكنم از براى هر نذرى كه نذر كردم اورا و

كل وعد وعدته وكل عهد

از براى همه وعده كه وعده كردم اورا و از براى همه عهدى كه

عاهدته ثم لم اف به واسئلك فى مظالم

عهد كردم اورا پس وفا نكردم بآن و سؤال ميكنم از تو در باب ستمهاى

عبادك عندى فايما عبد من عبيدك

بندگان تو كه در نزد من است پس هر بنده از بندگان تو

او امة من امائك كانت له قبلى مظلمة

يا هر كنيزى از كنيزان تو هست از براى او در پيش من مظلمه كه

ظلمتها اياه فى نفسه وفى عرضه او فى ماله

كه جور و ستم كردم اورا در باره نفس او و در باب عرض او يا در باب مال او

اَوْ فِي اَهْلِهِ وَوَلَدِهِ اَوْ غِيبَةٍ اَغْتَبْتُهُ بِهَا

یا در باب اهل حرمت او و فرزندان او یا غیبتی که غیبت کردم اورا بدان

اَوْ تَحَامُلٍ عَلَيْهِ بِمَيْلٍ اَوْ هَوًى اَوْ اَنَفَةٍ اَوْ

یا بارکردن بر نفس او از روی میل و خواهش و پیروی هوس یا بالیدن بی یا

حَمِيَّةٍ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ عَصَبِيَّةٍ غَائِبًا كَانَ اَوْ

حمیتی یا ریای یا [illegible] که غایب بوده باشد یا

شَاهِدًا وَحَيًّا كَانَ اَوْ مَيِّتًا فَقَصُرَتْ

حاضر باشد و زنده باشد آن شخص یا مرده باشد پس کوتاه است

يَدِي وَضَاقَ عَنْ رَدِّهَا اِلَيْهِ وَالتَّحَلُّلِ مِنْهُ

وُسْعِي

دست من و تنگ است از معاش من از رد کردن آن بسوی او و گشوده شدن از آن

فَاَسْئَلُكَ يَا مَنْ يَمْلِكُ الْحَاجَاتِ وَهِيَ مُسْتَجِيبَةٌ

پس سوال میکنم از تو ای آنکه مالک حاجتهاست و او مستجاب کننده است

لمشيته

لِمَشِيَّتِهِ وَمُسْرِعَةٌ اِلَى اِرَادَتِهِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

از روی اراده خود و شتابنده است بسوی خواهش خود اینکه درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُرْضِيَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ

محمد و فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و اینکه خوشنود سازی او را از من بدانچه خواسته

وَتَهَبَ لِي مِنْ عِنْدِكَ رَحْمَةً اِنَّهُ لَا تَنْقُصُكَ

و ببخشی از برای من از نزد خود رحمت بدرستیکه او کم نمیکند ترا

الْمَغْفِرَةُ وَلَا تَضُرُّكَ الْمَوْهِبَةُ يَا اَرْحَمَ

آمرزیدن و ضرر نمیرساند ترا بخشیدن گناهان ای رحم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اَوْلِنِي فِي كُلِّ يَوْمِ اِثْنَيْنِ

رحم کنندگان بار خدایا عطا کن مرا در همه روز دوشنبه

نِعْمَتَيْنِ مِنْكَ ثِنْتَيْنِ سَعَادَةً فِي اَوَّلِهِ بِطَاعَتِكَ وَنِعْمَةً فِي

دو نعمت از نزد خود دو چیز نیک بختی در ابتدای او بطاعت خود

و نعمتی عطا کن در

اخره بمغفرتك يا من هو لا اله ولا يغفر الذنوب سواه

درگذراند بآمرزش خود ای آنکه اوست خدای یگانه و نیامرزد گناهان را بغیر از او

دعاؤه عليه الصلوة والسلام في يوم الثلثاء

دعای آنحضرت بر او باد درود و رحمت در باب روز سه شنبه

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم من بنام خداوند بخشنده و مهربان

الحمد لله والحمد حقه كما يستحقه

پرستش و ستایش مر خدای راست و حمد و ثنا سزاوار اوست همچنانکه سزاوار اوست

حمدا كثيرا واعوذ به من شر نفسي ان

پرستش بسیار و پناه میجویم بدان از شر نفس خود بدرستیکه

النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربي و

نفس من هر آینه امر کننده است به بدی مگر آنچه رحم کند پروردگار من و

اعوذ به من شر الشيطان الذي يزيدني

پناه میجویم من بدو از شر شیطان ملعون آنکه مزید کند مرا

ذنبا الى ذنبي واحترز به من كل جبار

گناهی را بر گناهی و پرهیز میجویم من بدان از شر هر جبر کننده

فاجر وسلطان جائر وعدو قاهر اللهم

فاسق و فاجر و پادشاه جور و ستم کننده و از شر دشمن غلبه کننده بار خدایا

اجعلني من جندك فان جندك هم

بگردان مرا از لشکر خویش بدرستیکه لشکر تو ایشانند

الغالبون واجعلني من حزبك فان حزبك

غلبه کنندگان و بگردان مرا از گروه خویش پس بدرستیکه گروه تو

هم المفلحون واجعلني من اوليائك فان

ایشانند رستگاران و بگردان مرا از دوستان خویش پس بدرستیکه

اولیائك لا خوف علیهم ولا هم یحزنون

دوستان تو نیست خوفی و ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوه خورندگان

اللهم اصلح لی دینی فانه عصمة امری

خداوندا باصلاح آور از برای من دین مرا پس بدرستیکه او نگه دارنده کار من است

واصلح لی اخرتی فانها دار مقری والیها

و باصلاح آور از برای من آخرت مرا پس بدرستیکه آن سرای قرارگاه من است و بسوی آنست

من مجاورة اللئام مفری واجعل الحیوة

از همسایگی لئیمان گریزگاه من است و بگردان زندگانی را

زیادة لی فی کل خیر والوفاة راحة لی

زیادتی از برای من در هر خیری و وفات شدن را راحتی از برای من

من کل شر اللهم صل علی محمد خاتم

از هر شری بار خداوندا درود فرست بر محمد که خاتم

النبیین

النبیین وتمام عدة المرسلین وعلی اله

پیغمبرانست و ختم شمار مرسلان است و درود فرست بر فرزندان او

الطیبین الطاهرین واصحابه المنتجبین و

که پاکانند و پاکیزگانند و اصحاب او که برگزیدگانند و

هب لی فی الثلثاء ثلاثا لا تدع لی ذنبا

ببخش از برای من در این روز سه شنبه سه چیز را مگذار از برای من گناهی را

الا غفرته ولا غما الا اذهبته ولا عدوا

مگر آنکه بیامرزی او را و نه غمی را در اندوه را مگر آنکه ببری و دور کنی او را و نه دشمنی را

الا دفعته ببسم الله خیر الاسماء وبسم الله

مگر آنکه دفع کنی او را بسبب نام خدا که بهترین نامهاست و بحق نام خدا

رب الارض والسماء استدفع کل

که پروردگار زمین و آسمانست طلب دفع میکنم من هر

مکروه اوله سخطه واستجلب کل محبوب

ناخوش را که ابتدای آن غضب او باشد وطلب کشیدن میکنم هر پسندیده را که

اوله رضاه فاختم لی منک بالغفران یا ولی الاحسان

ابتدای آن خوشنودی او باشد پس ختم کن مرا از خود بآمرزش ای صاحب احسان

ومن دعائه علیه الصلوة والسلام فی یوم الاربعاء

واز دعای آنحضرت برو باد درود خدا در روز چهارشنبه

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خدای روزی دهنده مهربان کننده

الحمد لله الذی جعل اللیل لباسا والنوم

ستایش ازبرای خداست که گردانید شب را پوشش و خواب را

سباتا وجعل النهار نشورا لک الحمد ان

آرام مکان و گردانید روز را پهن شدنی مر تراست ستایش آنکه

بعثتنی من مرقدی ولو شئت جعلته

برانگیزانیدی مرا از خوابگاه من و اگر میخواستی میگردانیدی آنرا

سرمدا حمدا دائما لا ینقطع ابدا ولا یحصی له

جاویدان سپاس دائم و ستایش دایم که بریده نباشد هرگز ونمی توانند که بشمارند مر اورا

الخلائق عددا اللهم لک الحمد ان خلقت

مخلوقات شمردنی بارالها ازبرای تست ستایش اینکه آفریدی

فسویت وقدرت وقضیت وامت و

پس راست اندام کردی و اندازه کردی و حکم کردی و میرانیدی و

احییت وامرضت وشفیت وعافیت و

زنده گردانیدی و بیمار گردانیدی و شفا دادی و عافیت دادی و

ابلیت وعلی العرش استویت وعلی الملک

نعمت دادی و بر تخت بزرگواری و جلال خود نشستی و آرام گرفتی و بر پادشاهی

أَحُوبَتْ أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ ضَعُفَتْ وَسِيلَتُهُ

احاطه کرده بمیخوانم ترا پروردگارا مانند خواندن کسی که نازدان شده باشد وسیله او

وَانْقَطَعَتْ حِيلَتُهُ وَاقْتَرَبَ أَجَلُهُ وَتَدَانَى

و بریده شده باشد چاره او نزدیک شده باشد مدت عمر او نزدیک شده باشد

فِي الدُّنْيَا أَمَلُهُ وَاشْتَدَّتْ إِلَى رَحْمَتِكَ

در دنیای دون امید و آرزوی او و سخت شده باشد بسوی رحمت بیقیاس تو

فَاقَتُهُ وَعَظُمَتْ لِتَفْرِيطِهِ حَسْرَتُهُ وَكَثُرَتْ

احتیاج او و بزرگ شده باشد از برای تقصیر کردن او حسرت او و بسیار شده باشد

زَلَّتُهُ وَعَثْرَتُهُ وَخَلُصَتْ لِوَجْهِكَ تَوْبَتُهُ

لغزش او و گناه او و خالص گشته باشد از برای ذات مقدس تو بازگشت خود

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ

پس درود بفرست بر محمد که ختم جمیع پیغمبرانست و درود بفرست بر اهل

بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَارْزُقْنِي شَفَاعَةَ

خاندان او که پاکانند و پاکیزگانند بجا و روزی کن مرا شفاعت

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي صُحْبَتَهُ

محمد صلوات فرستد خدا بر او و آل او و محروم مکن مرا از صحبت او

إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اقْضِ لِي

بدرستیکه تو رحم کننده ترین رحم کنندگان بار خداوندا برآور از برای من

فِي الْأَرْبِعَاءِ أَرْبَعًا اجْعَلْ قُوَّتِي فِي

در روز چهارشنبه چهار چیز را بگردان قوت و توانایی مرا در

طَاعَتِكَ وَنَشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ وَرَغْبَتِي

طاعت خود و نشاط مرا در بندگی نمودن تو و خواهشمندی مرا

فِي ثَوَابِكَ وَزُهْدِي فِيمَا يُوجِبُ لِي

در ثواب بعمل خود و پرهیز مرا پروردگارا در آنچه واجب گرداند از برای من

الیم عقابک انک لطیف لما تشاء

بدردناک عذاب تو بدرستی که تو لطیفی ازبرای آنچه بخواهی

ومن دعائه علیه الصلوة والسلام فی یوم الخمیس

وازجمله دعای آنحضرت است بر او باد درود و رحمت باری تعالی در بابا روز پنجشنبه

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم من باسم مبارک خداوند بخشنده مهربان

الحمد لله الذی اذهب اللیل مظلما بقدرته

حمد وثنا مر خدای راست که برد شب را در حالتی که تاریک بود بقدرت خویش

وجاء بالنهار مبصرا برحمته وکسانی

و آورد روز در حالتی که بیننده بود برحمت خویش و لباس پوشانید مرا

ضیائه وآتانی نعمته فکما ابقیتنی

روشنایی او را و عطا کرد مرا نعمت او را پس همچنانکه باقی میداری مرا

له فابقنی لامثاله وصل علی النبی

مر او را پس باقی دار مرا ازبرای مانند او و درود فرست برجناب پیغمبر

محمد واله ولا تفجعنی فیه وفی غیره من

صلی الله علیه وآله و دردناک مکن مرا درین روز و در غیر این روز از

اللیالی والایام بارتکاب المحارم

شبها و روزها بسبب ارتکاب محرمات خداوند

واکتساب المآثم وارزقنی خیره وخیر

و بسبب کسب کردن گناهان و روزی کن مرا خیر او را و خیر

ما فیه وخیر ما بعده واصرف عنی شره

آنچه در اوست و خیر آنچه بعد از اوست و باز گردان از من شر او را

وشر ما فیه وشر ما بعده اللهم انی

و شر آنچه در اوست و شر آنچه بعد از اوست بار خداوندا بدرستی که من

بِذِمَّةِ الْاِسْلَامِ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ

بریسمان پیمان و عهد اسلام توسلم بسوی تو و بحرمت

الْقُرْاٰنِ اَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَبِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى

قرآن اعتماد و اعتقاد الکرام بر تو و بجناب پیغمبر محمد المصطفی

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَسْتَشْفِعُ لَدَيْكَ ٥

صلی الله علیه و آله و عترت او طلب شفاعت میکنم در نزد جناب تو

فَاَعْرِفِ اللّٰهُمَّ ذِمَّتِيَ الَّتِيْ رَجَوْتُ بِهَا قَضَاۤءَ

پس بشناسان بار الها عهد و پیمان مرا که امید داشته‌ام بسبب آن برآوردن

حَاجَتِيْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اقْضِ

حاجت خود ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان خداوندا برآور

لِيْ فِي الْخَمِيْسِ خَمْسًا لَا يَتَّسِعُ لَهَا اِلَّا كَرَمُكَ

مرا در این روز پنجشنبه پنج چیز را که طاقت ندارد مرا مگر کرم تو

وَلَا يُطِيْقُهَا اِلَّا نِعَمُكَ سَلَامَةً اَقْوٰى بِهَا

و طاقت ندارد آن را مگر نعمت‌های تو سلامتی که قوی باشم بسبب آن

عَلٰى طَاعَتِكَ وَعِبَادَةً اَسْتَحِقُّ بِهَا جَزِيْلَ

بر طاعت تو و عبادتی که سزاوار باشم بسبب آن ثواب

مَثُوْبَتِكَ وَسَعَةً فِي الْحَالِ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ

بسیار ترا و وسعت در حال از روزی حلال

وَاَنْ تُؤْمِنَنِيْ فِيْ مَوَاقِفِ الْخَوْفِ بِاَمْنِكَ وَ

و دیگر ایمن گردانی مرا در جایگاه‌های خوف و خشیت با امن خود و

تَجْعَلَنِيْ مِنْ طَوَارِقِ الْهُمُوْمِ وَالْغُمُوْمِ فِيْ حِصْنِكَ

بگردانی مرا از زدن‌های اندوه‌ها و غم‌ها در حصن و دولت خود

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُ لِيْ شَافِعًا

درود بفرست بر محمد و بر فرزندان محمد و بگردان او را برای من شفاعت کننده

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ نَافِعًا اِنَّكَ اَرْحَمُ الرّٰاحِمِينَ

در روز قيامت سودبخشنده بدرستيكه تويى رحم كننده ترين رحيمان

وَمِنْ دُعٰائِهِ عَلَيْهِ التَّحِيَّةُ وَالثَّنٰاءُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ

واز جمله دعاى آنحضرت است براو باد تحيت وثنا درباره روز مبارك جمعه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا ميكنم بنام خداوند بخشاينده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْاَوَّلِ قَبْلَ الْاِنْشٰاءِ وَالْاِحْيٰاءِ

پرستش مرخدايراست كه اولست پيش از آفريدن وزنده كردن

وَالْاٰخِرِ بَعْدَ فَنٰاءِ الْاَشْيٰاءِ الْعَلِيمِ الَّذِي

وآخرست بعداز فانى شدن اشيا ودانايست كه

لَا يَنْسٰى مَنْ ذَكَرَهُ وَلَا يَنْقُصُ مَنْ شَكَرَهُ وَلَا

فراموش نميكند كسيرا كه ياد كند اورا وكم وكاسته نميكند كسيرا كه شكر كند اورا ونوميد

يُخَيِّبُ مَنْ دَعٰاهُ وَلَا يَقْطَعُ رَجٰاءَ مَنْ رَجٰاهُ

نميسازد كسيرا كه بخواند اورا ونمى برد اميد آنكس كه اورا اميد داشته باشد

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ وَكَفٰى بِكَ

بار الها بدرستيكه من گواه ميدهم ترا وكافيست بتو گواه

شَهِيدًا وَاُشْهِدُ جَمِيعَ مَلٰائِكَتِكَ وَ

گواه دادن وگواه ميگيرم همه فرشتگان مقرب ترا و

سُكّٰانَ سَمٰوٰاتِكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ

آرام گيرندگان آسمانهاى ترا وبردارندگان تخت بزرگ ترا و

مَنْ بَعَثْتَ مِنْ اَنْبِيٰائِكَ وَرُسُلِكَ وَاَنْشَأْتَ

هركرا كه برانگيخته از پيغمبران حق ورسولان حق وآفريدى

مِنْ اَصْنٰافِ خَلْقِكَ اَنِّي اَشْهَدُ اَنَّكَ

از صنفهاى مخلوقات حق بدرستيكه من گواهى ميدهم اينكه تو

أَنْتَ اللهُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا عَدِيلَ

تویی خدا یگانه هست و نیست شریکی از برای تو و نیست نظیری

لَكَ وَلَا خُلْفَ لِقَوْلِكَ وَلَا تَبْدِيلَ وَأَنَّ

از برای تو و نیست خلافی از برای گفت تو و نیست تبدیل مر مشیت ترا و بدرستی که

مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَ

جناب پیغمبر صلی الله علیه و علی ذریته و عترته بنده تست و

رَسُولُكَ أَدَّى مَا حَمَّلْتَهُ إِلَى الْعِبَادِ وَجَاهَدَ

رسول تست ادا کرد آنچه بار کرده بودی او را آن بسوی بندگان و جهد کرد

فِي اللهِ حَقَّ الْجِهَادِ وَأَنَّهُ بَشَّرَ بِمَا هُوَ حَقٌّ مِنَ

در راه خدا حق جهد کردنی و بدرستیکه او مژده داده بآنچه او حق است از

الثَّوَابِ وَأَنْذَرَ بِمَا هُوَ صِدْقٌ مِنَ الْعِقَابِ

ثواب و ترسانید بآنچه او راست است از عذاب

اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَلَا

بار خداوندا ثابت دار مرا بر دین خود آنچه زنده بداری مرا و میل

تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي

مفرمای دلم را بعد از آنکه راه نموده باشی مرا و ببخش از برای من

مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ صَلِّ

از نزد خود رحمتی بدرستیکه تویی بسیار بخشنده درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ

بر محمد و فرزندان محمد و بگردان مرا از تابعان او و شیعه او

وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ وَوَفِّقْنِي لِأَدَاءِ فَرْضِ

و محشور گردان مرا در زمره او و توفیق ده مرا از برای ادا کردن فرض

الْجُمُعَاتِ وَمَا أَوْجَبْتَ عَلَى سَمْعِهَا مِنَ

جمعه‌ها را و آنچه واجب ساخته بر شنیدن آن از طاعات

الطاعات وقسمت لاهلها من العطاء في

و عبادات و قسمت کرده از برای اهل آن از عطا کردن در

يوم الجزاء انك انت العزيز الحكيم

روز قیامت بدرستی که تو تویی خدای غالب محکم کار

ومن دعائه عليه اكمل التحيات والثناء في يوم السبت

و از جمله دعای آنحضرت است صلی الله علیه درباره روز شنبه

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند روزی دهنده رحمت کننده

بسم الله كلمة المعتصمين ومقالة

بنام خدای کلمه چنگ زننده‌گان و گفتگوی

المتحرزين واعوذ بالله تعالى من جور

پرهیز کننده‌گان و پناه میبریم بخدای افرشته از جور و ستم کردن

الجائرين وكيد الحاسدين وبغي

تعدی کننده‌گان و از کید و مکر حسد برنده‌گان و از جور و ستم کننده

الظالمين واحمده فوق الحامدين اللهم

ستمکاران و پرستش میکنم او را بالای حمد حمد و ثنا کننده‌گان بار الها

انت الواحد بلا شريك والملك بلا تمليك

تویی خدای یگانه بدون شریک و تویی پادشاه بدون [illegible]

لا تضاد في حكمك ولا تنازع في ملكك

نیست ضدی در حکومت تو و نیست منازعه در پادشاهی تو

اسألك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك

سؤال میکنم از تو اینکه درود بفرستی بر محمد بنده خود و پیغمبر خود

وان توزعني من شكر نعمائك ما تبلغ

و اینکه توفیق دهی مرا از شکر کردن نعمتهای تو آنچه برساند

بي غاية رضاك وان تعينني على طاعتك

مرا بنهايت خشنودی تو و اينکه اعانت کنی مرا بر طاعت کردن تو

ولزوم عبادتك واستحقاق مثوبتك

و لازم شدن برای عبادت تو و استحقاق بهم رسانیدن ثوابهای تو

بلطف عنايتك وترحمني بصدي عن معاصيك

بسبب لطف مهربانیهای خود و رحم کنی مرا و باز داری مرا از معصیتهای خود

ما احييتني وتوفقني لما ينفعني ما ابقيتني

آنچه زنده داری مرا و توفیق دهی مرا از برای آنچه سود بخشد مرا آنچه باقی داری مرا

وان تشرح بكتابك صدري و

و اینکه گشاده سازی از کرامت و رحمت بکتاب خود سینه مرا و

تحط بتلاوته وزري وتمنحني السلامة

فرو نهی بتلاوت آن بار گران مرا و عطا کنی مرا سلامت بعافیت را

في ديني ونفسي ولا توحش بي اهل

در دین من و تن من و در وحشت میندازی مرا اهل

انسي وتتم احسانك فيما بقي من عمري

انس مرا و تمام کن احسان خود در آنچه باقی است از عمر من

كما احسنت فيما مضى منه يا ارحم

همچنانکه احسان کردی در آنچه گذشته است از آن ای رحیم‌ترین

الراحمين وصلى الله على خير خلقه محمد و

رحم کنندگان و درود فرستاد خدا بر بهترین مخلوقات خود محمد و

اله اجمعين الطيبين الطاهرين المعصومين

فرزندان او را که همه پاکانند و پاکیزگانند نگهداشته شدگانند از گناه

هذه دعاء العديلة عليها اللعنة و العذاب

این است دعای مبارکه عدیله از طریقه شیاطین براو باد لعنت خدا و عذاب خدا

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خدای روزی دهنده و رحم کننده

شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة

گواهی میدهد خدا بانکه اوست خدایت انکه جز او نیست و گواهی میدهند فرشتگان

واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو

و خداوندان دانش استواراست بعدل و انصاف نیست الهی مگر اوست

العزیز الحکیم ان الدین عند الله

خدای غالب محکم کار بدرستیکه دین نزد خداست

الاسلام وانا العبد الضعیف المذنب

بیرون دین نزد خدا اسلام است و منم بنده ناتوان گنهکار

العاصی الفقیر الحقیر المحتاج اشهد

عصیان کننده درویش بیمقدار محتاجمند گواهی میدهم

لمنعمی وخالقی ورازقی ومکرمی

از برای نعمت دهنده خود و آفریننده خود و روزی دهنده خود و گرامی دارنده خود

کما شهد لذاته وشهدت له الملائکة و

همچنانکه گواهی داد خدا برای ذات مقدس خود و گواهی دادند مر او را فرشتگان و

اولوا العلم من عباده بانه لا اله الا هو

صاحبان علم از بندگان خود بانیکه اوست خدا نیست الهی مگر اوست خدا

ذو النعم والاحسان والکرم و

صاحب نعمتها و صاحب احسان عمیم و صاحب کرم بی‌غایت و

الامتنان قادر ازلی عالم ابدی حی

صاحب عطاها تواناست ازلی است داناست همیشه است زنده است

احدی موجود سرمدی سمیع بصیر مرید

یکی است موجود است همیشه است شنواست بیناست اراده کننده است

كارهٌ مدركٌ صمديٌّ يستحق هذهِ

ناخوش دارنده است　دریابنده است　بی‌نیاز است　سزاوار است　این

الصّفاتَ وهو على ما هو عليه في عزّ

صفات و تعریفات　واو　بر　آنچه　اوست هست بر او　در غلبه کمال

صفاتهِ وكانَ قويًّا قبل وجودِ القوّة

صفات خود　و بوده است　توانا　پیش از بوجود آمدن　قوت

والقدرةِ وكانَ عليمًا قبل ايجادِ

و قدرت　و بوده است　دانشمند　پیش　از آفریدن

العلمِ والعلّةِ لم يزل سبحانًا على جميع

علم　و علت　نابود نشده　منزه است خدا　بر　همه

الاحوالِ وجودُه قبل القبلِ في ازلِ

احوال است　هست ذات مقدس او　پیش از پیش است　در ازلهای

الازالِ وبقاؤه بعد البعدِ من غيرِ

ازلها　و باقی بودن　او　بعد از　بعد است　بدون

انتقالٍ ولا زوالٍ غنيٌّ في الاوّلِ والاخرِ

نقل کردن　و نه زایل شدن　بی‌نیاز است　در ابتدا　در انتها

مستغنٍ في الباطنِ والظاهرِ لا جورَ في

بی‌نیاز است　در نهان　در آشکارا　نیست جور و ستمی　در

قضيّتهِ ولا ميلَ في مشيّتهِ ولا ظلمَ في

حکم او　و نیست حیف و میل　در اراده　او　و نه جور و ستمی　در

تقديرهِ ولا مهربَ من حكومتهِ ولا

اندازه او　و نیست گریزگاهی　از حکومت　با عدالت او　و نه

ملجأ من سطواتهِ ولا منجا من نقماتهِ سبقت

پناهگاهی　از غضب و خشمهای او　و نه فریادرسی　از عذاب　او پیش گرفته است

رَحمتَهُ غضبَهُ ولا يفوتُهُ احدٌ اذا طلبَهُ

رحمت او غضب اورا درنمی‌یابد او کسی را که چون طلب کند اورا

ازاحَ العِلَلَ فِي التّكليفِ وسوّى

دور کرد علت‌ها درمیان تکالیف وبرابر ساخت

التّوفيقَ بينَ الضّعيفِ والشّريفِ مكّنَ

توفیق درمیان ناتوان وصاحب شرف تمکین داد

اداءَ المامورِ وسهّلَ سبيلَ اجتنابِ

بادا کردن امر مارا وآسان کرد راه دوری کردن

المحظورِ لم يكلّفِ الطّاعةَ الّا بقدرِ

محظور را هیچ ذیحیات را تکلیف طاعت نکرده است مگر باندازه

الوسعِ والطّاقةِ سبحانهُ ما ابينَ كرمَهُ

وسعت وطاقت منزه است خداوند چه هویداست کرم او

واعلا شانُهُ سبحانهُ ما اجلّ نيلَهُ و

وبرتر است قدر ومنزلت او منزه است او چه بزرگ است رسیدن او وچه

اعظمَ احسانَهُ بعثَ الانبياءَ ليبيّنَ طولَهُ

بزرگ است احسان او برانگیخت پیغمبران را تا هویدا کند انعام اورا

ونصبَ الاوصياءَ ليظهرَ عدلَهُ وفضلَهُ

وبرپا نمود وصیان را تا ظاهر کند عدالت اورا وفضیلت اورا

وجعلنا من امّةِ سيّدِ الانبياءِ وخيرِ

وگردانید مارا از امت افضل پیغمبران وبهترین

الاولياءِ وافضلِ الاصفياءِ واعلى

دوستان وفاضل‌ترین برگزیدگان وبرترترین

الازكياءِ محمّدٍ المصطفى صلّى الله

پاکان که جناب پیغمبر محمد المصطفی صلوات الله

عليه وآله وسلم آمنّا به وبما دعانا

وسلام عليه وآله وذريته وعترته ايمان آورديم بدان وبدانچه خواند ما را

إليه وبالقرآن الذي أنزله عليه وبوصيه

بسوي او وبكتاب قرآن كه فرو فرستاد او را براو وبوصي آن پيغمبر

الذي نصبه يوم الغدير وأشار بقوله

چنان وصي كه برپا كرد او را در روز غدير خم واشارت كرد بگفتار او

هذا علي إليه وأشهد أنّ الأئمة الأبرار

اينست جناب علي بسوي او وگواهي ميدهم بدرستيكه امامان نيكوكاران

والخلفاء الأخيار بعد الرسول المختار

وجانشينان برگزيدگان بعد از جناب پيغمبر مختار

علي قامع الكفار ومن بعده سيد

جناب علي بن ابيطالب است كه از بيخ وبن بركننده كافران وبرادران سلطان

أولاده الحسن ابن علي ثم أخوه السبط

فرزندان او جناب امام حسن فرزند جناب امير برادرزادگان برادر او نبيره پيغمبر

التابع لمرضات الله الحسين ثم العابد

كه پيروي كننده است مرضيات خدا را جناب امام حسين برادرزادگان جناب امام

علي ثم الباقر محمد ثم الصادق جعفر

زين العابدين برادرزاده جناب امام محمد باقر برادرزاده جناب امام جعفر صادق

ثم الكاظم موسى ثم الرضا علي ثم

برادرزادگان جناب امام موسى كاظم برادرزادگان جناب امام رضا برادرزادگان

التقي محمد ثم النقي علي ثم الزكي

جناب امام محمد تقي برادرزادگان جناب امام علي نقي برادرزادگان جناب امام

العسكري الحسن ثم الحجة الخلف

حسن عسكري برادر جناب امام حسن عسكري جناب امام صاحب الأمر

اولاده حسن

الصالح القائم المنتظر المرجى الذي

که نیکوکار است و ایستاده است و منتظر است و امید داشته شده است که

ببقائه بقيت الدنيا وبيمنه رزق

بسبب بقای او باقیست دنیای مران و بسبب میمنت او روزی داده شوند

الورى وبوجوده ثبتت الأرض والسماء

مخلوقات و بسبب وجود او برقرار است زمین و آسمان

به يملأ الله الأرض قسطا وعدلا بعد

بسبب آن پر میکند خدا زمین را از عدالت و انصاف بعد از

ما ملئت ظلما وجورا وأشهد أن أقوالهم

آنچه پر شده باشد زمین از جور و ستم و گواهی میدهم بدرستیکه گفتار ایشان

حجة وامتثالهم فريضة وطاعتهم مفروضة

دلیل است و امتثال ایشان واجب است و فرمان ایشان از جمله واجبات است

ومودتهم لازمة مقضية والاقتداء

و دوستی ایشان لازم است و حتم و حکم کرده شده است و اقتدا کردن

بهم منجية ومخالفتهم مردية وهم

بایشان سبب نجات است و مخالفت کردن ایشان سبب هلاکت است و ایشان‌اند

سادات أهل الجنة أجمعين وشفعاء

آقایان اهل بهشت همگی و شفاعت کنندگان

يوم الدين وأفضل الأوصياء المرضيين

روز جزا هستند و بهترین اوصیاء خوشنود شده کانند

وأئمة أهل الأرض على اليقين وأشهد

و پیشوایان اهل روی زمین هستند بروی یقین و گواهی میدهم

أن الموت حق ومسألة منكر ونكير

که بدرستیکه مرگ راست است و جواب و سؤال فرشتگان منکر و نکیر

فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَالنُّشُورَ

در میان قبر راست است و برانگیختن در قیامت راست است و حشر و نشر

حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ

راست است و پل صراط راست است و ترازوی اعمال راست است و حساب پس دادن

حَقٌّ وَالْكِتَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ

راست است و نامه اعمال بدست راست و بدست چپ راست است و بهشت راست است

وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا

و جهنم راست است و بدرستی که راستی قیامت ظاهر آمده نیست

رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

شک و شبهه در آن و بدرستیکه خدا بر می‌انگیزاند آنکسی را که در قبرها خوابیده اند

اللَّهُمَّ فَضْلُكَ رَجَائِي وَكَرَمُكَ

بار خداوندا فضل تو امید من است و کرم بی‌نهایت تو

وَرَحْمَتُكَ عَفْوُكَ أَمَلِي لَا عَمَلَ لِي أَسْتَحِقُّ

و رحمت بی‌قیاس تو و آمرزش تو امیدوار من است نیست عملی مرا که سزاوار باشم

بِهِ الْجَنَّةَ وَلَا طَاعَةَ لِي أَسْتَوْجِبُ بِهَا

بسبب او بهشت را و نه طاعتی و عبادتی از برای من که مستوجب شوم بسبب آن

الرِّضْوَانَ إِلَّا أَنِّي اعْتَقَدْتُ عَدْلَكَ

خشنودی ترا مگر اینکه من اعتماد و اعتقاد دارم عدالت ترا

وَتَوْحِيدَكَ وَارْتَجَيْتُ إِحْسَانَكَ وَفَضْلَكَ

و یگانگی ترا و امید دارم من احسان دیرینهٔ ترا و تفضل ترا

وَتَشَفَّعْتُ إِلَيْكَ بِالنَّبِيِّ وَأَوْصِيَائِهِ

و طلب شفاعت کرده ام بسوی تو به پیغمبر صلی الله علیه و آله و اوصیای او

مِنْ أَحِبَّتِكَ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ

از دوستان تو و توئی خداوندا گرامی‌ترین گرامی دارندگان

وارحم الراحمين وصلى الله على نبينا

و رحم کننده ترین رحیمان ودرود فرستاده خدا بر پیغمبر ما

محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين

محمد و فرزندان او همگی ایشان پاکانند وپاکیزگانند

وسلم تسليما كثيرا برحمتك

ودرود فرستاد خدا رحمت فرستادنی بسیار وفرزندان رحم کن ما را برحمت خود

يا ارحم الراحمين اللهم اني اودعتك

ای رحیم‌ترین رحم کنندگان بار الها بدرستیکه من بودیعت سپردم ترا

يقيني هذا وثبات ديني وانت خير

یقین خود را این را وثابت بودن دین خود را و تو بهترین

مستودع وقد امرتنا بحفظ الودائع

امانت دارنده وبتحقیق فرمودی ما را بنگه داشتن ودیعها پس بازگردانی او را

فرده

[illegible]

علي في القبر برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله

بر من در آنکه در قبر برحمت خود ای رحیم‌ترین رحم کنندگان ودرود فرستاد خدا

على محمد وآله والائمة المعصومين اجمعين

بر محمد و فرزندان او و بر امامان که نگاه داشته شده‌اند از گناه همگی ایشان

تعقيبات مختصة بنماز صبح فريضة بر سبيل اختصار

منتخب تعقیبات از کتاب مفتاح الفلاح آخوند [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بسم الله وحده لا اله الا الله

اعيذ نفسي واهلي ومالي وولدي و

پناه میدهم تن من واهل خانمان من ومال من وفرزندان من و

اخواني وما رزقني ربي وجميع من يعنيني

برادران من وآنچه روزی کرده است مرا پروردگار من وهمه آنکه امر آن اعانت کرده است مرا

اُمِرُهُ بِاللّٰهِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِيْ لَمْ

فرمان اوست سجده ده یکتا نه چیست از آنجانه خدای بی‌نیاز که زاینده

يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ

نشده است و فرزند کسی نیست و نه شد و نیست باشد از برای او انبازی احدی

وَبِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ

و پناه می‌برم بپروردگار صبح شکافنده از شر آنچه آفریده است و از

شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ

شر تاریکی چون تاریک می‌شود و پناه می‌برم بخدا از شر نفاثات

فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ

کار در عقده است و از شر حسد برندگان زمانیکه حسد می‌برند

وَبِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ

و پناه می‌برم بپروردگار مردمان پادشاه مردمان و خدای مردمان

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِيْ يُوَسْوِسُ

از شر وسواس خناس که از شیاطین است چنان خناسی که وسوسه می‌کند

فِي صُدُوْرِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

در سینه‌ها سینه‌های مردمان و پناه می‌برم از شر جنیان و آدمیان

سُوْرَةُ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سَبْعُ آيَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

ابتدا می‌کنم بنام خدای روزی دهنده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ مَالِكِ

پرستش از برای خداست که پروردگار عالمیان است و خدای بخشاینده مهربان صاحب

يَوْمِ الدِّيْنِ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ

روز جزاست ترا می‌پرستیم خدایا و از تو استعانت می‌جوییم

اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ صِرَاطَ الَّذِيْنَ

هدایت کن مارا براه راست راه آنکه کرده شده راه راست آنانکه

أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا

نعمت كردى براشان بدون غضب كرده شدگان براشان ونه

الضالين الله لا اله الا هو الحى القيوم

گمراهان خداى عاليست نيست هيچ خدائى كه اوست خداى زنده و پاينده

لا تأخذه سنة ولا نوم له ما فى السموات

فرا نميگيرد اورا چرتكى ونه خواب ازبراى اوست آنچه در آسمانهاست

وما فى الأرض من ذا الذى يشفع عنده

وآنچه در زمين است كيست صاحب قرب ومنزلت كه شفاعت كند در نزد او

الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم

مگر بفرمايش خود ميداند آنچه در پيش روى دستهاى ايشان است وآنچه پس ايشان است

ولا يحيطون بشىء من علمه الا بما شاء

ودر حافظه نيز نه نگيرند بچيزى از دانش او مگر بآنچه اراده كند

وسع كرسيه السموات والأرض ولا

وا گرفته كرسى بزرگوارى او آسمانها در زمين را ونيفكند

يؤده حفظهما وهو العلى العظيم لا

در رنج اورا نگهبانى آنها واوست رفيع مرتبه بزرگ قدر نيست

اكراه فى الدين قد تبين الرشد

هيچ ناخوشى در قبول كردن دين بتحقيق جدا شده راه راست

من الغى فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن

از گمراهى پس هركه اطاعت نكند بشيطان وايمان آورد

بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى

بخدا پس بتحقيق كه چنگ درزده است بدست آويز استوارى كه

لا انفصام لها والله سميع عليم الله ولى

نيست هيچ شكستى اورا وخداست شنوا وداناست خدا يار

الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات الى

کسانیکه گرویده اند بیرون می آرد ایشان را از تاریکیهای جهالت بسوی

النور والذين كفروا اولياؤهم

روشنایی ایمان و آنانیکه کافر شده اند دوستان ایشان

الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات

شیاطین اند بیرون می آرند ایشان را از نور ایمان بسوی تاریکیهای جهالت

اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

آن گروه یاران آتش اند ایشان در جهنم همیشه میمانند

شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة

گواهی داد خدای تعالی باینکه نیست خدای مگر خودش است و گواهی دادند فرشتگان

واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو

و خداوندان دانشمندی که خدا قایم است بعدل و داد نیست هیچ خدایی مگر اوست

العزيز الحكيم ان الدين عند الله

غالب عذاب کننده از روی حکمت و محکم کاری بدرستیکه دین مبین نزد خدا

الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب

اسلام است و اختلاف نیست آنانیکه داده شدند کتاب

الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم

مگر از پس آنچه آمد ایشان را دانش از ستم و حسد در میان خویشان

ومن يكفر بآيات الله فان الله سريع

و هر که کافر شود بمعجزات خدا پس بدرستیکه خدا زود حساب

الحساب قل اللهم مالك الملك تؤتي

پس گرفتن است بگو یا محمد ای خدا ای خداوند پادشاهی میدهی

الملك من تشاء وتنزع الملك ممن

پادشاهی را بهر که خواهی و میگیری پادشاهی را از هر که

تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء

خواهی و عزت میدهی هرکرا خواهی و خوار و ذلیل میکردانی هرکرا خواهی

بيدك الخير انك على كل شيء قدير

بدست قدرت تست هر نکوییها بدرستیکه تو بر همه چیزی توانا

تولج الليل في النهار وتولج النهار

درمی آوری شب را در روز و درمی آوری روز را

في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج

در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده و بیرون می آوری

الميت من الحي وترزق من تشاء بغير

مرده را از زنده و روزی میدهی هرکرا خواهی بدون

حساب ان ربكم الله الذي خلق

حساب بدرستیکه پروردگار شما خدائیست که آفرید

السموات والارض في ستة ايام ثم

آسمانها و زمین را در عرض شش روز بعد از آن

استوى على العرش يغشي الليل النهار

پرداخت بافرینش عرش بالای خود میپوشاند شب را بر روز در حالیکه میطلبد

يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم

شب روز را بسرعت و آفرید آفتاب و ماه را و ستاره ها را در حالیکه

مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك الله

همه مسخر شده اند بفرمان او آگاه باشید مراورا است آفریدن و فرمان دادن بزرگ است

رب العالمين لا يستوي اصحاب النار

که پروردگار عالمیان است مساوی نیستند یاران آتش دوزخ

واصحاب الجنة اصحاب الجنة

و یاران بهشت عنبر سرشت یاران بهشت مشک آمیز

هُمُ الْفَائِزُونَ لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ

ایشانند رستگاران اگر فرو فرستیم ما این کتاب قرآن را

عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ

بر کوه هر آینه بینی تو آن را ترسنده از هم شکافته گردیده از

خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا

ترس خدا و این داستانها مثل میزنیم آنها را

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي

از برای مردمان شاید که ایشان بیندیشند او است خدا آنچنانکه

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

نیست خدای سزاوار پرستش بغیر او دانشمند پنهان و آشکارا

هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا

او است خدای روزی دهنده و رحمت کننده او است خدا آنچنانکه نیست هیچ خدای سزاوار پرستش

هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

بغیر از او که پادشاه بسیار بسیار پاک است از هر عیب و نقص ایمن از هر آفت بخشنده ایمنی

الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ

نگهبان از هر چیزی غالب بر همه خداوند عظمت بغایت بزرگ منزه است

اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ

خدا از آنچه شریک قرار میدهند او است خدای آفریننده

الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

آفریدگار صورت بخش مر او راست نامهای همه نیکو

يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

تسبیح میکند مر او را آنچه در آسمانها و در زمین است و او است خدای غالب حکم کار

این دعا را بعد از هر نماز فریضه پنجگانه بخوانند

که بجهة جمیع فتوحات و بجهة جمیع امراض و علتها و آفات و حاجات این دعا خوردی بسیار مجرب است

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الحمد لله الذی عرفنی نفسه ولم یترکنی

حمد و ثنا مر خدایراست که شناسانید مرا نفس خود را و وانگذاشت مرا

عمیان القلب الحمد لله الذی جعلنی

کور دل حمد و ستایش مخصوص از برای خداست که گردانید مرا

من امة محمد صلی الله علیه وآله

از امت جناب خاتم الانبیا محمد مصطفی صلی الله علیه وآله

ولم یجعلنی من سائر الامم الحمد لله

و نگردانید مرا از جمله سایر امتها حمد و ثنا مر خدایراست

الذی ستر ذنوبی ولم یفضحنی بین

آنخداییکه پوشانید گناهان مرا و رسوا نگردانید مرا در میان

الخلائق الحمد لله الذی جعل رزقی فی

مخلوقات پرستش مر خدایراست که گردانید روزی دادن مرا در

یدیه ولم یجعلنی رزقی فی ایدی الناس

دستهای خود و نگردانید روزی مرا در دست مردمان

ختمنامه ادعیه مبارکه شریفه لطیفه

گر باهم برزده باشد خلاف عیب مکن که در صحت لام باهم برزده است

نمقه العبد الفقیر الحقیر الجنی

نوشت این ادعیه مبارکه را بنده درویش محتاج جدا شده از سیره شجره طیبه ولایت جناب امیر المؤمنین

علی اکبر خاور زمینی المدعو

یعنی علی اکبر شکسته خاور زمینی خوانده شده

بدار الصفاء خوی غفر الله لوالدیه

بدار صفای خوی پس عفو کند حق تعالی مر پدر و مادرش را

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور على نور بسم الله الذي هو مدبر الامور بسم الله

الذي خلق النور من النور الحمد لله الذي خلق النور من النور وانزل النور على الطور في كتاب

مسطور في رق منشور بقدر مقدور على نبي محبور الحمد لله الذي هو بالعز مذكور وبالفخر

مشهور وعلى السراء والضراء مشكور وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين